

Journal of Imamiyyah Studies

Vol. 9, No. 18, March 2024, 215-238

(DOI) 10.22034/JIS.2023.320925.1762

A Classification and Analysis of the Monotheistic Hadiths in the Book *Al-Jawāhir al-Saniyya* from the perspective of the Noble Quran with a focus on Practical Effects of Monotheism

Sakineh Amoozadi¹, Feizollah Akbari Dastak², Abdolmajid Talebtash³

(Received on: 2023-9-20; Accepted on: 2023-12-13)

Abstract

Qudsī (holy) hadiths hold an elevated status in establishing the principle of monotheism, given their attribution to God. The book *al-Jawāhir al-saniyya fī l-aḥādīth al-qudsiyya* by al-Shaykh al-Ḥurr al-‘Āmilī contains numerous *qudsī* hadiths concerning beliefs and moral principles, although lacking thematic and content classification. This research aims to provide a content analysis of hadiths concerning monotheism, exploring the Quran’s perspective on the subject and the practical role of monotheism in human life. The descriptive-analytical method is employed to classify these hadiths. The analysis reveals no contradictions between Quranic verses and *qudsī* hadiths related to monotheism, encompassing the unity of God’s essence, attributes, acts, and worship. Additionally, it demonstrates that monotheism and its variations extend beyond doctrines and beliefs, as the noble Quran also delves into the practical implications of monotheism in human life.

Keywords: Practical effects of monotheism, *qudsī* (holy) hadiths, al-Ḥurr al-‘Āmilī, *al-Jawāhir al-saniyya*, content analysis.

1. PhD student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran. Email: s.amoozadiiii@gmail.com.

2. Assistant professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran (corresponding author). Email: f.akbari@kia.ac.ir.

3. Associate professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran. Email: talebtash@yahoo.com.

طبقه‌بندی و تحلیل احادیث توحیدی کتاب الجواهر السنیه

از منظر قرآن کریم با تأکید بر بیان آثار عملی توحید

سکینه عموزادی^۱، فیض‌اله اکبری دستک^۲، عبدالمجید طالب‌تاش^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۲]

چکیده

احادیث قدسی به دلیل انتساب به مقام ربوبی، جایگاه والایی در معرفی اصل توحید دارند. کتاب الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه، اثر شیخ حر عاملی با آنکه دربردارنده روایات قدسی متعددی در موضوعات اعتقادی و اخلاقی است، همچنان به دلیل فقدان طبقه‌بندی موضوعی و محتوایی این احادیث دچار اشکال است. همچنین تحلیل محتوایی روایات توحید از منظر قرآن و نقش عملی توحید در زندگی انسان از منظر قرآن کریم نیازمند بررسی است. این تحقیق در پی آن است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به طبقه‌بندی حدیث در ساحت توحید و نقش توحید در زندگی عملی انسان از منظر قرآن کریم بپردازد. با بررسی محتوایی در مفاهیم این احادیث، تناقض محتوایی میان احادیث قدسی باب توحید در انواع مختلف توحید ذاتی، صفاتی، افعالی و توحید عبادی با آیات قرآن کریم ملاحظه نشد. همچنین به اثبات رسید توحید و انواع مطرح آن تنها از لحاظ اعتقادی و فکری مطرح نیستند، بلکه قرآن کریم به نقش توحید در زندگی عملی انسان پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: آثار عملی توحید، حدیث قدسی، حر عاملی، الجواهر السنیه، تحلیل محتوایی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران amoozadiii@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)

F.akbari@kiau.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران talebtash@yahoo.com

۱. بیان مسئله

عقیده توحید اصلی ترین تعلیم ادیان آسمانی است. دین اسلام در جایگاه کامل ترین دین الهی، والاترین عقیده توحیدی را به بشر ارائه کرده است. توحید همانند دیگر اعتقادات دینی تنها جنبه اخروی ندارد و فقط سعادت اخروی انسان را تأمین نمی کند، بلکه در زندگی دنیوی مردم نیز کاربرد دارد. وجود رابطه عمل با نتیجه و دنیا با آخرت، سعادت اخروی انسان نیازمند تبلور توحید در زندگی دنیوی است؛ بنابراین دغدغه اصلی هر انسان یا دست کم هر مسلمانی باید آگاهی از کاربردهای عملی توحید در زندگی خود باشد.

قرآن کریم و احادیث قدسی در جایگاه دو منبع مهم و حیاتی در دسترس ما قرار دارند. منبع حدیثی مقاله حاضر کتاب شریف الجواهر السنیه اثر شیخ حر عاملی است. در این کتاب از مجموع ۶۹۱ حدیث قدسی، ۶۶ حدیث درباره توحید و مشتقات آن، یعنی نه ونیم درصد احادیث قدسی این کتاب در باب توحید است. هدف از انتخاب منبع حدیثی مذکور، ارزیابی محتوای احادیث قدسی باب توحید به وسیله انطباق آن با قرآن کریم و رسیدن به طبقه بندی معتبر احادیث است. هدف دیگر از انتخاب منبع مذکور، ارائه کارکردهای عملی توحید بر اساس مفاد احادیث قدسی است. پرسش های قابل پاسخ در تحقیق این است که طبقه و دسته بندی منطقی احادیث قدسی باب توحید در کتاب الجواهر السنیه چیست؟ محتوای احادیث قدسی از لحاظ مطابقت با قرآن کریم در چه اندازه است؟ احادیث قدسی باب توحید کتاب مذکور و آیات توحید کدام کارکردهای عملی توحید در زندگی مردم را ارائه کرده اند؟

از جدیدترین مقالات نگاشته شده در این باره، مقاله مهدی مطیع و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان «ترسیم نظام ارتباط با خدا بر اساس احادیث قدسی با استفاده از روش تحلیل محتوا» است. از این نگارندگان (۱۳۹۸) مقاله دیگری با عنوان «طبقه بندی موضوعی احادیث قدسی» به نگارش رسیده است. فرهاد رحمان پور و علی صنایعیان (۱۳۹۹) نیز مقاله ای با عنوان «تدوین احادیث قدسی در فریقین؛ تأملی در کتاب الجواهر السنیه» نگاشته اند.

۲. طبقه بندی احادیث توحید در الجواهر السنیه

طبقه بندی احادیث یکی از راه های پی بردن به محتوای احادیث و بررسی صحت و سقم محتوایی آن است. طبقه بندی به معنای تقسیم بندی و نظم دهی مجموعه ای معین از اشیا است که به گروه بندی جامع به صورت طبقه بندی معادلی منتهی می شود (نوالی، ۱۳۸۸: ص ۱۸۰). طبقه بندی در یک تقسیم به دو نوع کلی ساختاری تک بعدی و ساختاری چند بعدی تقسیم شدنی است. هر کدام از اقسام طبقه بندی، مزایای خاص خود و این قابلیت را دارا هستند که با وجود شناسایی فهرستی جامع از طبقات، برای موجودیت این گونه طبقات نیز استدلال منطقی بیابند (زوستاک، ۱۳۹۵: ص ۳۷). در اینجا طبقه بندی تک بعدی بر اساس محتوای احادیث توحیدی کتاب الجواهر السنیه است.

۲-۱. توحید ذاتی

یگانگی و توحید خداوند متعال در هر کدام از مراتب توحید مفهوم خاصی دارد. متکلمان اسلامی توحید ذاتی را به دو معنا تفسیر کرده اند: نخست توحید در وجود و وجود؛ یعنی هیچ موجودی جز ذات مقدس الهی واجب الوجود بالذات نیست؛ دوم به معنای اینکه ذات الهی بسیط است و از اجزایی ترکیب نیافته است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۶، ص ۱۷۹؛ جوادی آملی، ۱۳۹۲: ص ۱۵۲؛ سبحانی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۱۱).

از میان احادیث قدسی کتاب الجواهر السنیه، نه حدیث به توحید ذاتی دلالت دارد. مهم ترین مطالب مربوط به توحید ذاتی در احادیث قدسی کتاب مذکور عبارت اند از:

۲-۱-۱. فطری بودن توحید ذاتی

در این حدیث فطری بودن توحید ذاتی تبیین شده است: «فی تفسیر قوله تعالی "فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا" قَالَ: وَ مِنْهُ الَّحَدِيثُ: حَلَقْتُ عِبَادِي خُنَفَاءَ فَأَجْتَالَتْهُمْ الشَّيَاطِينُ عَنْ دِينِهِمْ وَ أَمَرُوهُمْ أَنْ يُشْرِكُوا بِي غَيْرِي» (حر عاملی، ۱۳۹۵: ص ۷۸۲). با توجه به اینکه انطباق محتوای این

حدیث با قرآن کریم به دلیل استفاده آیه قرآنی در متن حدیث روشن است، نیاز به بررسی صحت و سقم محتوایی ندارد.

کاربردهای عملی فطری بودن توحید ذاتی

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ... مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (روم: ۳۰ - ۳۱). در این آیه چهار اثر عملی توحید ذاتی همچون توبه (منیبین الیه)، تقوا (واتقوا الله)، اقامه نماز (واقیموا الصلاة) و پرهیز از شرک (ولاتکونوا من المشرکین) بیان شده است.

توبه: فطرت توحیدی گرچه تغییرناپذیر و ابدی است، تحت تأثیر موانع و دوافع به طور موقت قابلیت پنهان شدن را دارد؛ بنابراین وظیفه انبیا بیدارکردن فطرت توحیدی خفته است. حقیقت مذکور توبه را اثر عملی فطرت توحیدی قرار می دهد؛ زیرا وقتی انسان واقعیت فطرت توحیدی را که ابدی و تغییرناپذیر است، مدنظر قرار می دهد، در هر جایی که فطرت توحیدی خود را خفته و سست می بیند، بلافاصله به فطرت خود بر می گردد.

تقوای الهی: تقوای الهی به واسطه انجام تمام واجبات و ترک تمام محرمات حاصل می گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۶، ص ۴۲۰) که تقوای ایمانی است. تقوا مراتب دیگری همچون تقوای عدالتی (پرهیز از امور خلاف مروت)، تقوای خالصانه (تقوا از توجه به غیر)، تقوای عصمتی (تقوای از کل معاصی) و تقوای فوق عصمت (تقوا از ترک اولی) دارد (طیب ۱۳۶۹: ج ۱۰، ص ۳۸۵). تقوا نیز اثر عملی توحید فطری است؛ زیرا در آیه مذکور توحید فطری همان دین و آیین خدا تفسیر شده است که حنیف است و انسان را از کجی ها و انحراف ها که معاصی هستند به سوی حق و صراط مستقیم که واجبات هستند متمایل می کند.

اقامه نماز: ذکرشدن نماز از میان همه اوامر الهی به این دلیل است که نماز در تمام ابعادش مهم ترین برنامه مبارزه با شرک است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۶، ص ۴۲۰). فطرت توحیدی و

اقامه نماز تأثیر متقابل دارند؛ زیرا فطرت توحیدی سبب اقامه نماز و ملتزم شدن به حدود نماز است (مدرسی، ۱۴۱۹: ج ۱۰، ص ۵۷) و التزام به حدود نماز جز اخلاص به سوی خدا حاصل شدنی نیست و سبب اخلاص نیز اعتقاد به وحدانیت خدا در خالقیت و ربوبیت است؛ چون انسان با پذیرش توحید خالقیت و ربوبیت، خود را محتاج او می‌داند و همه چیز را از سوی او می‌بیند. پرهیز از شرک: پرهیز از شرک اثر عملی چهارم برای توحید فطری است که آیه بدان اشاره دارد: «وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ».

۲-۱-۲. برابری توحید ذاتی با تمامی آفرینش

در یکی دیگر از احادیث قدسی اشاره‌کننده به جایگاه و عظمت توحید ذاتی آمده است: «قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِمُوسَى يَا مُوسَى لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَغَايِبَاتِهَا وَالْأَرْضِينَ السَّبْعَ فِي كِفَّةٍ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي كِفَّةٍ مَالَتْ بِهِنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (مدرسی، ۱۴۱۹: ج ۱۰، ص ۱۳۴). بر اساس این حدیث قدسی، اگر تمامی آفرینش در یک طرف ترازو و کلمه توحید در طرف دیگر آن قرار گیرد، باز هم توحید برتری خواهد داشت.

این مطلب از تمامی آیاتی استفاده‌شده است که بیان‌کننده وجود رابطه بین تدبیر آسمان‌ها و زمین توسط خداوند و بین توحید عبادی هستند. آیات بسیاری پس از بیان تدبیر آسمان‌ها و زمین، به استدلال بر توحید عبادی پرداخته‌اند؛ از جمله در سوره «مریم» آمده است: «رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ: پروردگار آسمان‌ها و زمین و بین آنها اوست پس به عبادت او پرداز» (مریم: ۶۵). از این آیه رابطه بین توحید ربوبی و عبادی به خوبی مشاهده‌شده است.

تأثیر عملی برابری توحید با خلقت کائنات

اعتقاد انسان به برتری توحید بر تمام کائنات سبب می‌شود کائنات و دنیا را هدف زندگی خود قرار ندهد و خود را از گرایش به دنیا محفوظ نگه دارد. آیه مذکور (مریم: ۶۵) در ادامه دستور می‌دهد به

عبادت پروردگار آسمان ها و زمین بپردازد و بر توحید عبادی ثبات داشته باش؛ ثبات نیز هنگام قطع رابطه کلی از غیر خدا محقق خواهد شد: «وَاضْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا: و ثبات بر عبادت او داشته باش آیا هم نام او را می شناسی». اعتقاد به تدبیر آسمان ها و زمین توسط خداوند سبب قطع رابطه کلی انسان از غیر خدا می شود.

۳. توحید ذاتی و وسیله نجات اخروی انسان

در حدیث قدسی دیگری جمله «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» نشان از ایمان بنده به توحید ذاتی دانسته شده است. در این حدیث آمده است: «قال الله: إني أنا الله لا إله إلا أنا، فمن أقول بالتحديد دخل حصني، ومن دخل حصني أمن من عذابي» (حر عاملی، ۱۳۹۵: ص ۳۲۲).

تبیین نجات اخروی در جایگاه تأثیر عملی توحید

خداوند در آیات متعدد توحید را وسیله نجات اخروی معرفی کرده است؛ از جمله «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (نساء: ۸۷)؛ از این آیه رابطه بین توحید عبادی و ضرورت معاد مشاهده شدنی است. معلوم است معاد و جمع نمودن مردم در قیامت هدفی جز پاداش و مجازات ندارد؛ بنابراین می توان آگاهی آیه را به این مطلب دانست که توحید عبادی معیار جزا و مجازات در قیامت است که معتقدان را مستحق پاداش و منکران را مستحق مجازات خواهد نمود (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۰، ص ۱۶۷؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۷۲۹).

۳-۱. توحید صفاتی

یکی از اقسام توحید خاص، توحید صفاتی است. مراد از توحید صفاتی این است که صفات خداوند عین ذات اوست و زاید بر ذات نیستند؛ به این معنا که ذات خداوند جدا از علم، حیات، قدرت و سایر صفات ثبوتیه او نیست (سبحانی، ۱۳۸۶: ص ۱۵۰ - ۱۵۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲،

ص ۳۲۸؛ ابن عاشور، [بی‌تا]: ج ۲، ص ۴۹۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۹۹). توحید صفاتی بر اساس تقسیم دیگری به صفات ثبوتیه و صفات سلبيه تقسیم می‌شود. بیشترین روایات کتاب الجواهر السنیه در باب توحید که ۲۷ حدیث است، به توحید صفاتی مربوط هستند.

۳-۱-۱. صفات ثبوتیه

صفات ثبوتیه که از آن به صفات جمالیه و کمالیه نیز تعبیر می‌شود، دارای معانی وجودی هستند و درحقیقت کمالی را که سزاوار خداوند است، به او منتسب می‌کنند؛ از جمله این صفات می‌توان به خلق، علم، قدرت، حیات، ادراک، اراده، شنوا و بینا بودن و... اشاره کرد (سبحانی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۸۳؛ طنطاوی، [بی‌تا]: ج ۱، ص ۵۸۴؛ طبری، ۱۴۱۲: ج ۳، ص ۵؛ سیدقطب، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۲۸۷). در کتاب الجواهر السنیه این صفات در موارد متعددی بیان شده است و از این طریق به شناخت الهی اشاره شده است. در این کتاب دوازده حدیث قدسی درباره صفات ثبوتیه بیان شده است که پنج حدیث درباره قدرت الهی، پنج روایت درباره علم الهی و دو روایت نیز درباره حیات الهی است. در ادامه به بیان این روایات می‌پردازیم.

۳-۱-۱-۱. صفت حیات

حیات یکی از صفات ثبوتیه الهی است که در کتاب الجواهر السنیه دو روایت در این باره نقل شده است. در روایتی که به شرح مناجات حضرت موسی (ع) با خدا می‌پردازد، در بخشی از این حدیث قدسی ویژگی حی بودن خداوند با این عبارت بیان شده است: «... لیس کمثلی شیء و أنا الحيّ الدائم الذي لا أزل» (حر عاملی، ۱۳۹۵: ص ۷۶). در روایت دیگری خداوند از بهشت می‌خواهد تا خداوند را توصیف کند: «... ثُمَّ قَالَ لَهَا تَكَلَّمِي فَقَالَتْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ فَدَّ سَعِدَ مَنْ يَدْخُلُنِي» (حر عاملی، ۱۳۹۵: ص ۳۱۶).

صفت حیات الهی با اسم «حی» مورد توصیف قرآن قرار گرفته است و در پنج مورد یکی از اوصاف ثبوتیه خداوند دانسته شده است (فرقان: ۵۸؛ بقره: ۲۵۵؛ آل عمران: ۲؛ غافر: ۶۵؛ طه: ۱۱۱). این اسم در قرآن کریم در دو مورد کنار صفت «قیوم» آورده شده است: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» (بقره: ۵۵؛ آل عمران: ۲؛ طه: ۱۱۱). در این آیه واژه «حی» دلالت بر دوام و ثبوت حیات دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۳۲۸؛ ابن عاشور، [بی تا]: ج ۲، ص ۴۹۲). حیات الهی قسمی وجودی است که صفاتی مانند علم و قدرت الهی نیز از آن سرچشمه می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۳۲۹؛ طنطاوی، [بی تا]: ج ۱، ص ۵۸۴؛ طبری، ۱۴۱۲: ج ۳، ص ۵؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۲۸۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۹۹).

تأثیر عملی صفت حی بودن خداوند

از آیات قرآن کریم آثار متعدد عملی حی بودن خداوند بر زندگی انسان استفاده‌شدنی هستند؛ از جمله:

توکل بر خدا: اعتقاد به حیات خداوند سبب به وجود آمدن و تقویت توکل است؛ زیرا توکل بر آن ذاتی معقول و مفید است که حیات بی‌پایان داشته باشد؛ زیرا چنین ذاتی می‌تواند تکیه‌گاه انسان در هر زمان و مکان باشد. خداوند می‌فرماید: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ: اعتماد بر ذات زنده و بی‌پایان داشته باشید» (فرقان: ۵۸). معنای وسیع‌تر حیات یعنی علم و قدرت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۲۶۴) است که توکل بر ذات حی را مفید و معقول‌تر جلوه می‌دهد. کنار هم قرار گرفتن وصف خداوند مبنی بر قیوم و حی بودن (آل عمران: ۲) بیان‌کننده تعلیل توکل نیز می‌باشد؛ زیرا چنین ذات حی و قیام‌کننده به امور مردم هیچ‌گاه متوکلان را تنها نمی‌گذارد (مدرسی، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۴۴۳). در محضر خدادانستن: اثر دیگر اعتقاد به حی بودن خداوند خود را در محضر خدادانستن انسان و پرهیز از هرگونه آلودگی است؛ زیرا ذات حی همانند خدا برای آگاهی از گناهان بندگان کافی

است: «وَكَفَى بِهِ بَدْئُوبٍ عِبَادِهِ خَيْرًا: خداوند حی برای آگاهی از گناهان بندگان خود کفایت می کند» (فرقان: ۵۸).

سرچشمه اعتقاد به توحید: اعتقاد به حیات خداوند سرچشمه اعتقاد به توحید عبادی نیز می باشد؛ زیرا چنین ذات حی ای شایسته عبادت است. قرآن نیز به این رابطه اشاره کرده است: «هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ: او زنده است که معبودی جز او نیست» (غافر: ۵۶)؛ زیرا آیه بعد از بیان وصف حی، توحید عبادی خداوند را ذکر کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۰، ص ۱۶۱). همچنین در آیات بعدی بر اساس اعتقاد به حی بودن خداوند ندا کردن مخلصانه خداوند که همان توحید در عبادت است، یادآوری شده است (طباطبایی، ۱۳۹۲: ج ۱۷، ص ۳۴۶) و می فرماید: «فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ: پس او را مخلصانه صدا بزنید» (غافر: ۶۵).

۳-۱-۱-۲. قدرت خداوند

صفت قدرت از جمله دیگر صفات ثبوتیه الهی است که دلالت بر قدرت بی حد و حصر خداوند در تدبیر و خلقت آفریده ها دارد. صاحب الجواهر السنیة در مجموع پنج روایت در این بخش به قدرت الهی اختصاص داده است؛ از جمله روایت پیامبر اکرم (ص) که فرمود خداوند می فرماید: «مَنْ دَعَانِي وَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي أَضْرُّ وَأَنْفَعُ اسْتَجِبْتُ لَهُ» (حر عاملی، ۱۳۹۵: ص ۳۵۶)؛ اعتقاد به اینکه خداوند توانایی نفع و ضرر رساندن به انسان را دارد، نشان از قدرت بی پایان و نامحدود الهی است. آیات متعددی از قرآن کریم دلالت بر قدرت بی حد و حصر و مطلق خداوند دارد؛ از جمله آیه شریفه «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ» (اسراء: ۹۹). این آیه با استدلال به عمومیت قدرت الهی بر امکان معاد جسمانی استدلال می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۲، ص ۳۰۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶، ص ۶۸۳؛ ابن عاشور، [بی تا]: ج ۲۸، ص ۳۰۶)؛ زیرا خداوندی که چیزی را خلق می کند، قدرت بر آفرینش مثل و مانند آن شیئی را نیز دارد و چون قدرت بر خلقت مثل و مانند آن را دارد، به یقین توانایی بازگرداندن آن چیز به حالت اولیه اش نیز در ید قدرت اوست.

تأثیر عملی اعتقاد به قدرت خدا

قرآن کریم به آثار متعدد عملی این وصف اشاره کرده است که در ادامه به چند مورد از مهم‌ترین آثار آن اشاره می‌کنیم.

ایجاد احساس نیازمندی دائمی انسان: احساس بی‌نیازی سبب گمراهی انسان و افتادن او در دام شیطان است و نیازمندی دائمی او مهم‌ترین عامل هدایت انسان به شمار می‌آید. اعتقاد به قدرت مطلقه و دائمی خداوند منجر به احساس بی‌نیازی در انسان است؛ چون وقتی انسان مبدأ و معاد خود را از طرف خداوند می‌بیند، به یقین احساس بی‌نیازی در او به وجود نخواهد آمد. قرآن نیز به این امر اشاره می‌کند: «قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَ جَعَلَ لَهُمْ أَجَلا: او قادر بر خلق مثل آنهاست و او برای آنها مهلتی مقرر نمود» (اسراء: ۹۹).

تکامل فکری انسان: اعتقاد به قدرت خداوند سبب تکامل فکری انسان از جهان ماده به جهان ماورای ماده خواهد بود؛ زیرا یکی از عوامل غرق شدن انسان در زندگی مادی کوتاه فکری او در برابر حقیقت دنیاست که آن را دائمی می‌پندارد و غافل از حرکت خود به جهان غیرمادی است. قرآن کریم در بسیاری از آیات وصف قدرت خداوند و وجود جهان غیبی را کنار هم آورده است: «وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: و نهان آسمان‌ها و زمین فقط از آن خداست... خداوند بر هر چیزی تواناست» (نحل: ۷۷). این آیه در مقام رد منکران قیامت، داشتن قدرت خداوند بر برپایی قیامت و همه لوازم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۳۲۹).

۳-۱-۱-۳. علم خداوند

علم الهی از دیگر صفات ثبوتیه الهی است که در کتاب الجواهر السنیه مدنظر قرار می‌گیرد. تعداد این روایات در مجموع پنج روایت است: در روایتی از حضرت رسول (ص) نقل شده است خداوند بر اساس علم و آگاهی اش هر کدام از بندگانش را به بلا و گرفتاری مبتلامی کند تا سیر بندگی آنها کامل گردد: «...إِنِّي أَدَبُّ عِبَادِي بِعِلْمِي بِقُلُوبِهِمْ فَإِنِّي عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حر عاملی، ۱۳۹۵: ص ۳۳۶-۳۳۸). در

روایت دیگری علت تغییر ویژگی‌های افراد جامعه، منوط به احاطه علمی خداوند به حالات بندگان دانسته شده است: «...أَنَا اللَّهُ الْخَالِقُ الْعَلِيمُ بِعِلْمِي خَالَفْتُ بَيْنَ خَلْقِهِمْ وَبِمَشِيَّتِي يَمْضِي فِيهِمْ أَمْرِي وَإِلَى تَدْبِيرِي وَتَقْدِيرِي هُمْ صَائِرُونَ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِي...» (حر عاملی، ۱۳۹۵، ص: ۱۸-۲۰).

در قرآن کریم علم الهی یکی از صفات ثبوتیه‌ای است که به ذات خداوند برمی‌گردد. علم خداوند سبحان محیط به مخلوقاتش است، هم به عین و جسم آنها - هم به آثار و اعمال ایشان - چه ظاهرش و چه باطنش و چه اینکه پنهان بدارند یا آشکار کنند - و چگونه متصور است که محیط باشد، ولی آگاه نباشد. برخی از مفسران «مَنْ خَلَقَ» را محلاً منصوب و به معنای مخلوقات دانسته‌اند؛ یعنی خداوندی که اسرار عالم و علت و حکمت تمامی امور مخفی و آشکارا می‌داند، چگونه به حالات مخلوقات و بندگان خود آگاهی نداشته باشد؛ درحالی‌که علمش گسترده و بی‌نهایت بوده و تمامی امور را دربر می‌گیرد (مراغی، [بی تا]: ج ۲۹، ص ۱۴؛ طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۹، ص ۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۵۸۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۳۰، ص ۵۹۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۹، ص ۵۹۴).

تأثیر عملی و صف علم الهی

انجام تمام نیکی‌ها و دوری از تمام بدی‌ها؛ مهم‌ترین نقش عملی اعتقاد به وصف علم الهی تشویق به انجام تمام نیکی‌ها و تنفر از انجام تمام بدی‌هاست؛ چون می‌داند نیکی به اندازه ذره و بدی به همان اندازه، از علم خدا مخفی نیست و حتی از رازهای سینه نیز آگاهی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۴، ص ۲۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۹، ص ۲۶۸) و می‌فرماید: «أَنْفِقُوا خَيْرًا لَأَنْفُسِكُمْ... عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ: و [در راه خدا] انفاق کنید که برای خودتان بهتر است ... [او] دانای نهران و آشکار» (تغابن: ۱۶ و ۱۸). بر اساس تفکر قرآنی انسان نباید از مرگ هراس داشته باشد، بلکه خود را آماده ملاقات با خدای عالم غیب و ظاهر کند: «قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ بگو در واقع مرگی که از آن فرار می‌کنید، پس حتماً آن شما را ملاقات می‌کند؛ سپس به سوی دانای نهران و آشکار باز گردانده می‌شوید و شما را از آنچه همواره انجام می‌دادید باخبر می‌سازد» (جمعه: ۸).

۲-۳. صفات سلبيه

شیخ حر عاملی پانزده حدیث درباره صفات سلبيه الهی آورده است.

۱-۲-۳. رؤیت نشدن خداوند

در الجواهر السنیه برخی از روایات به بحث رؤیت پرداخته است که در نگاه ابتدایی به دیدن ظاهری خداوند تعبیر می شود. در این کتاب چهار روایت درباره رؤیت آمده است؛ از جمله در روایتی از رسول خدا (ص) که از گریه حضرت شعیب برای دیدار خدا خبر می دهد: «بَكَى شُعَيْبٌ (ع) مِنْ حُبِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ... فَلَسْتُ أَصْبِرُ أَوْ أَرَاكَ...» (حر عاملی، ۱۳۹۵: ص ۶۸ - ۷۰). در این روایت مراد از رؤیت خداوند، دیدن به چشم سر نیست، بلکه مراد ملاقات خداوند با حقیقت ایمان و مراتب بالای آن است.

تأثیر عملی وصف رؤیت نشدن خداوند

رشد انسان: وصف رؤیت نشدن خداوند منشأ ایمان به غیب و بسیار تأثیرگذار در تکامل و رشد انسان است و عمل انسان را ارزشمند می کند؛ زیرا بنیادی ترین عنصر ایمان، اعتقاد به غیب است و این غیب از ایمان به خدای غیب شروع می شود و به دیگر اعتقادات دینی همچون اعتقاد به ملائکه، انبیاء، کتب آسمانی، وحی، قیامت و... می رسد. از طرفی رؤیت نشدن خداوند موجب توسعه و فرامادی شدن نگاه انسان است؛ زیرا مهم ترین عامل رؤیت نشدن خداوند این است که دیده شدن چیزی با چشم ظاهری موجب محدودیت آن چیز است: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ: هیچ چشمی او را درک نمی کند؛ ولی او همه دیدگان را مشاهده می کند» (انعام: ۱۳). بنابراین محدودیت نداشتن امور غیبی تفکری است که به واسطه رؤیت نشدن خداوند به وجود می آید. خداوند متعال در قرآن کریم به محال بودن رؤیت خدا و توانایی نداشتن انسان بر دیدن امور غیرمحدود اشاره کرده است. در آیه ۱۴۳ سوره «اعراف» تقاضای برخی از قوم بنی اسرائیل مبنی بر رؤیت خداوند را با تعبیر مؤکد و بانفی

ابدی محال دانسته است و در مقام تعلیل آن بیان کرده است که انسان محدود وقتی توانایی دیدن یکی از نشانه‌های باعظمت خدا را ندارد که بر کوه جلوه کرد و کوه پاره پاره شد و موسی و همراهانش بر اثر آن صحنه بیهوش شدند، چگونه توانایی تحمل رؤیت صاحب نشانه و جلوه را توان خواهند داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۶، ص ۳۵۷).

۳-۲-۲. شریک نداشتن خداوند

شریک نداشتن خداوند یعنی خداوند در تمامی اسماء و صفات خود یگانه است. همان گونه که خداوند در ذات خود بدون شریک است، در صفات فعلیه خویش مانند ربوبیت، مالکیت، حاکمیت و... نیز شریک ندارد (کریمی، ۱۳۷۹: ص ۹۳). با توجه به روایات کتاب الجواهر السنیه خداوند خود را از شرک مبرا می‌داند و به یگانگی و وحدت ستوده است. از این احادیث یازده روایت در این کتاب آمده است: یکی از روایات درباره نفی شرک خداوند، روایتی قدسی است که می‌فرماید: «... لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَا نَعْبُدُ...» (حر عاملی، ۱۳۹۵: ص ۲۸۸). در این حدیث هرگونه شریک و خواستن از غیر خدا نفی شده است و تنها خداوند شایسته پرستش و عبادت دانسته شده است.

تأثیر عملی وصف شریک نداشتن خداوند

شرک در انواع مختلف تأثیرهای منفی بسیاری بر زندگی انسان دارد؛ از جمله: هلاکت انسان: یکی از آثار شرک تباهی و هلاکت انسان است؛ زیرا شرک اعمال و رسوم و عادات نابودکننده را برای انسان تزئین می‌کند و به ظاهر عمل نیک و صحیح می‌پندارد؛ ولی درون خود فرد را آهسته آهسته به تباهی و هلاکت می‌کشاند؛ مانند کشاندن که آیه کریمه تزئین قتل فرزندان مشرکان توسط شرکا را مطرح کرده است و نتیجه این عمل را به نابودی کشاندن مشرکان توسط شرکا بیان کرده است. آیه کریمه می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ لِيُزِدُوهُمْ» و این گونه شریکان شان کشتن فرزندان شان برای بسیاری از مشرکان آراستند تا آنان را به هلاکت افکنند»

(انعام: ۱۳۷). زیرا داشتن فرزند در اوضاع عرب جاهلی که تفاخر به جنگ داشتند، امر حیاتی و نبودن فرزند مترادف با نابودی بود. همچنین بنا بر غیرت موهوم دختران خود رازنده به گور می کردند تا اسیر دشمن نشوند و معلوم است وجود داشتن زن در یک جامعه نابودی آن جامعه را سبب می شود یا اینکه آن قدر چیزهای قیمتی خود را برای ابراز محبت به بت ها نذر می کردند که بر اثر فقر مجبور بودند فرزندان خود را از ترس فقر بکشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۵، ص ۴۵۲).

فزونی فقر در جامعه: از جمله آثار شرک، افزایش فقر فقیران و افزایش ثروت ثروتمندان است؛ چون ثروتمندان حقوق مالی خود را پرداخت نمی کنند و به نیازمندان نمی رسد؛ گرچه این نوع ثروتمندان به ظاهر مال خدا را و حق مالی را جدا می کنند؛ ولی در کنار آن سهم برابر یا بیشتر برای شرکای خود قرار می دهند. شرکا گاهی خواهش های نفسانی هستند و برای عیش و نوش خود و فرزندان و خانواده خود سهم بیشتر از سهم فقرا قرار می دهند؛ حتی گاه به این توجیه که خانواده ما اولویت دارند یا نیازمندتر هستند یا بهانه های گوناگون دیگر سهم خدا و فقرا را نیز برای تسکین خواهش خود استفاده می کنند. گاه شرکا انسان های مافوق هستند که برای جلب رضایت آنها در جایگاه رشوه سهم جداگانه ای برای آنها قرار می دهند و به دلیل اینکه مانع از شکم پری آنها نشوند، مالیات می پردازند. جالب اینکه خود را خیرین و عامل به واجبات مالی نیز قرار می دهند. قرآن کریم نیز نمونه این نوع افراد را به گونه بت پرستان عرب بیان کرده است: «وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِرِعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَ مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ: و مشرکان برای خدا سهمی از آنچه او از زراعت و دام ها آفریده، قرار دادند و بر اساس پندارشان گفتند این سهم برای خداست و این برای شریکان ماست. و آنچه برای شریکان شان بود، پس به خدا نمی رسد؛ ولی آنچه برای خدا بود، پس آن به شریکان شان می رسد، چه بد داوری می کنند» (انعام: ۱۳۶) در تفاسیر آمده است مشرکان گرچه سهم خدا از چهارپایان و زراعت قرار می دادند، سهم برای بت ها می گذاشتند و سهم خدا را به کودکان و مهمانان یا مساکین می دادند و سهم بت ها را برای خادمان بت خانه و برای خود نگه می داشتند؛ ولی اگر آفتی بر سهم خدا وارد می شد، می گفتند

اشکال ندارد خدا بی‌نیاز است؛ اما سهم شرکا را با کمال و تمام پرداخت می‌کردند، گرچه به صورت جبران سهم شرکا از سهم خدا باشد (ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۴، ص ۱۹۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۱، ص ۳۲۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴، ص ۵۷۱). آلوسی معتقد است مراد از نرسیدن سهم شریکان به خدا این است که آنها سهم خدا را در موارد معین دینی خرج نمی‌کردند، بلکه در موارد معین شده معبودان خرج می‌کردند (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۴، ص ۲۷۶). مشرکان آن عمل را به گمان اینکه حکم خداست، انجام می‌دادند (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۶۸).

۳-۳. توحید افعالی

توحید افعالی یکی دیگر از شاخه‌های توحید است که به معنای باورمندی به این است که همه نظام‌های علت و معلولی که در جهان آفرینش وجود دارند، از افعال خدا سرچشمه می‌گیرد؛ از این رو هیچ موجودی جدا از خدا و بدون واسطه قادر به انجام فعلی در این جهان نیست و تمامی آفریدگان در انجام کارهای خود به اراده و فعل خداوند نیازمند هستند (معرفت، ۱۴۱۵: ج ۳، ص ۱۷۳). در زمینه توحید افعالی در الجواهر السنیه در مجموع شش روایت نقل شده است.

۳-۳-۱. توحید در خالقیت

در باره توحید در خالقیت تنها سه روایت در این کتاب طرح شده است؛ از جمله در روایتی قدسی آفرینش خیر و شر به خداوند نسبت داده شده است: «أَنَا خَلَقْتُ الْخَلْقَ وَ خَلَقْتُ الْخَيْرَ وَ أَجْرِيَّتُهُ عَلَى يَدِي مَنْ أَحَبُّ فَطُوبَى لِمَنْ أَجْرِيَّتُهُ عَلَى يَدِيهِ وَ أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا خَلَقْتُ الْخَلْقَ وَ خَلَقْتُ الشَّرَّ وَ أَجْرِيَّتُهُ عَلَى يَدِي مَنْ أَرِيدُ فَوَيْلٌ لِمَنْ أَجْرِيَّتُهُ عَلَى يَدِيهِ» (حر عاملی، ۱۳۹۵: ص ۹۶). در حدیث دیگری همین مضمون آمده است: «خَلَقْتُ الْخَيْرَ وَ خَلَقْتُ الشَّرَّ...» (حر عاملی، ۱۳۹۵: ص ۹۶)؛ نیز مشابه همین روایت از امام صادق (ع) نقل شده است.

قرآن کریم نیز در آیات متعددی به مسئله توحید در خالقیت اشاره دارد. این آیات به سرچشمه آفرینش انسان و جهان می‌پردازد و باریشه‌های شرک و بت پرستی به مبارزه پرداخته است. در

سوره «انعام» یک مرتبه به مسئله توحید در خالقیت اشاره شده است و می فرماید: «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ...» (انعام: ۱۰۲). در این آیه شریفه به مسئله توحید در خالقیت اشاره شده است و خالقیت خداوند را علت ربوبیت و الوهیت خداوند می داند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۷، ص ۲۹۱). آیات دیگری نیز به توحید در خالقیت تأکید دارند؛ از جمله فاطر: ۳؛ صفات: ۹۶؛ اعراف: ۵۴؛ طه: ۵۰ که توحید در خالقیت را اثبات می کنند.

تأثیر عملی توحید در خالقیت

رهایی از تفاخر و تکبر: از جمله آثار توحید در خالقیت نجات از تفاخر و تکبر است که انسان در زندگی خود و بر اثر عوامل مختلف گرفتار این رذیله اخلاقی می شود و تأثیر ویران کننده ای بر زندگی عملی انسان می گذارد. یکی از مواردی که انسان در برابر آن گرفتار غرور و کبر می شود، داشتن نسب خوب است که عرب های جاهلی بر نسب خود به تفاخر و تسابق می پرداختند. وقتی انسان بفهمد خالق علی الاطلاق از جمله نسب انسان خداوند متعال است، به هیچ وجه بر نسب خود تفاخر نخواهد کرد، بلکه خود را شکرگزار کسی خواهد دانست که به او این نعمت و کرامت بخشیده است و سعی در انجام لوازم نعمت خواهد نمود. قرآن کریم نیز به توحید خداوند در خلقت نسب اشاره کرده است که می فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا: و او کسی است که از آب بشری را آفرید و او را دارای خویشاوند نسبی و دامادی قرار داد و پروردگار تو تواناست» (فرقان: ۵۴).

۲-۳-۳. توحید در رازقیت

در الجواهر السنیه درباره مسئله رازقیت تنها به یک روایت اشاره شده است؛ در روایتی قدسی، قطع کردن اسباب عادی و رساندن روزی بندگان به دست خداوند دانسته شده و می فرماید: «ما مِنْ مَخْلُوقٍ يَعْتَصِمُ بِمَخْلُوقٍ دُونِي إِلَّا قَطَعْتُ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ دُونِهِ فَإِنْ سَأَلَنِي لَمْ أُعْطِهِ وَإِنْ دَعَانِي لَمْ أُجِبْهُ وَ مَا مِنْ مَخْلُوقٍ يَعْتَصِمُ بِي دُونَ خَلْقِي إِلَّا صَمَمْتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ رِزْقُهُ فَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ وَإِنْ دَعَانِي أَجَبْتُهُ» (حر عاملی، ۱۳۹۵: ص ۳۵۶).

رازقیت از صفات ثبوتیه فعلی است که در آیات قرآن کریم و روایات به آن اشاره شده است. این واژه با مشتقاتش حدود ۱۲۳ بار در قرآن کریم به کار رفته است و خداوند را به این صفت توصیف کرده است (بقره: ۳، ۲۲، ۲۵، ۶۰، ۱۲۶، ۱۷۲، ۲۱۲، ۲۳۳، ۲۵۴؛ آل عمران: ۲۷، ۳۷، ۱۶۹؛ نسا: ۸، ۳۹ و ...).

تأثیر عملی توحید در رازقیت

توحید در رازقیت نقش اساسی در تمام ابعاد زندگی بشر دارد؛ زیرا یکی از عوامل رذایل اخلاقی و دوری از اعمال نیک به ویژه امور مالی این است که انسان در عمق وجود خود معتقد به توحید در رازقیت نیست و غیرخدا را هرگونه گرچه در رفتار نه در اعتقاد دخیل در روزی رسانی می داند. بنابراین توحید در رازقیت تنها خدا را رازق انسان معرفی می کند و انسان با این اعتقاد جلوی بسیاری از انحرافات عملی خود را می تواند بگیرد. قرآن کریم نیز در آیات متعدد و با روش های گوناگون به این مهم اشاره کرده است؛ مانند اینکه در آیات بسیاری رازق انسان خود الله ذکر شده است و رزق انسان مستقیم به ذات خدا نسبت داده شده است. در آیه دیگر قرآن کریم به واسطه بیان رازق انسان بودن او را دستور به انفاق در راه خدا می دهد و می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، از آنچه به شما روزی داده ایم در راه خدا انفاق کنید» (بقره: ۲۵۴). آیه دیگر با بیان انحصاری بودن رازقیت در خدا، انسان ها را دستور به کسب رزق حلال و طیب داده است: «وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا؛ و از آنچه خدا روزی شما نموده است؛ درحالی که حلال و پاکیزه است بخورید» (مائده: ۸۸).

۳-۳-۳. توحید ربوبی

یکی دیگر از شاخه های توحید افعالی، توحید در ربوبیت است؛ یعنی نظام آفرینش که از مجموعه پدیده های فراوان گذشته، حال و آینده شکل گرفته است، به وسیله قدرتی نامتناهی مورد تدبیر و مدیریت آگاهانه پروردگار جهانیان قرار دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۳۸۹؛ طباطبایی،

۱۳۷۴: ج ۱۴، ص ۳۷۵؛ ابن عاشور، [بی تا]: ج ۱۷، ص ۲۹). در کتاب الجواهر السنیه به مسئله توحید ربوبی اشاره شده است؛ مانند اینکه در روایتی از رسول خدا (ص) درباره ربوبیت خداوند در شب معراج نقل شده است: «لَمَّا عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَمِنْهَا إِلَى سِدْرَةِ الْمُنتَهَى وَمِنْ السِّدْرَةِ إِلَى حُجْبِ الثُّورِ نَادَانِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ فَلِي فَاخْضَعْ وَإِيَّاي فَاعْبُدْ» (حر عاملی، ۱۳۹۵: ص ۵۰۶).

تأثیر عملی توحید ربوبی

در قرآن کریم مکرر کلمه رب آمده است که نشان از اهمیت و نقش بسزای آن در زندگی انسان است. توحید ربوبی مقدمه توحید عبادی است که انسان را به هدف خود که عبودیت و بندگی است نزدیک می کند؛ زیرا عقل اقتضا دارد انسان به شکرگزاری از پروردگار و مربی خود بپردازد. انبیای الهی برای اثبات حقانیت رسالت خود و برای تشویق مردم به بندگی خدا، خود را فرستاده پروردگار عالمین معرفی کردند: «وَقَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ: و موسی گفت ای فرعون به درستی که من فرستاده ای از طرف پروردگار جهانیانم» (اعراف: ۱۰۴). درخواست انبیا از رحمت خداوند به وسیله وصف ربوبیت او انجام می پذیرد: «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ: موسی گفت پروردگارا من و برادرم را ببامرز و ما را در رحمت خویش داخل فرما، درحالی که تو مهربورترین مهربورانی» (اعراف: ۱۵۱). این همه آثار ربوبیت نقش در ابعاد مختلف زندگی انسان دارد و انسان در انجام خطا و گناه ناامید نمی شود و همیشه به آمرزش و پذیرش توبه او توسط پروردگار خویش امیدوار می ماند.

۳-۴. توحید عبادی

در احادیث قدسی این کتاب درباره توحید عبادی نیز مطالبی بیان شده است. در روایتی قدسی از امام صادق (ع) نقل شده است: «فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبٌ يَا ابْنَ آدَمَ تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا

قَلْبِكَ غِنَاً وَلَا أَكِلْكَ إِلَى طَلْبِكَ وَعَلَيَّ أَنْ أَسُدَّ فَاقَتَكَ وَأَمْلَأَ قَلْبَكَ خَوْفًا مِنِّي وَإِنْ لَا تَفْرَغْ لِعِبَادَتِي أَمْلَأُ قَلْبَكَ شُغْلًا بِالدُّنْيَا ثُمَّ لَا أَسُدُّ فَاقَتَكَ وَأَكِلْكَ إِلَى طَلْبِكَ» (حر عاملی، ۱۳۹۵: ص ۱۰۶).

خداوند نیز در قرآن کریم در آیات فراوانی به مسئله توحید در عبادت تأکید کرده است. یکی از آیات مشهور که چند بار در قرآن تکرار شده است، آیه «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ» (انعام: ۱۰۲؛ یونس: ۳؛ نحل: ۲۰؛ حج: ۷۳؛ فرقان: ۳؛ فاطر: ۴۰؛ مائده: ۷۲؛ آل عمران: ۵۱) است که به وجوب عبادت پروردگار دلالت دارد؛ یعنی خداوندی که آفریننده بشر است، باید مورد پرستش نیز قرار گیرد.

تأثیر عملی توحید عبادی

نجات از پرستش خواهش های نفسانی و شیاطین: مهم ترین نقش توحید عبادی در زندگی انسان این است که انسان از پرستش خواهش های نفسانی و شیاطین انس و جن نجات می یابد و تنها سر خود را جلوی معبود حقیقی تسلیم می کند. همواره سعی می کند در تمام اعمال زندگی فردی و اجتماعی خود اطاعت و بندگی خدا را مدنظر قرار دهد. از آیات استفاده می شود نه تنها انسان باید بندگی معبود حقیقی خود را کند، بلکه تمام موجودات مشغول عبادت معبود خود هستند: «إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَانِ عَبْدًا» (مریم: ۹۳). تمام مخلوقات الهی از قبیل فرشتگان، انسان ها، جن ها و سایر حیوانات و... در جایگاه عبد مسخر اراده الهی هستند؛ زیرا تمامی موجودات به گونه تکوینی به خداوند احتیاج دارند. با اینکه درجه برخی از آنها از برخی دیگر بالاتر است، همه آنها در بندگی و عبودیت مساوی هستند؛ پس احساس بندگی و احتیاج به خداوند در میان تمامی موجودات عالم به گونه تکوینی وجود دارد و این همان انقیاد تمامی موجودات ذوی العقول به خداوند است (فضل الله، ۱۴۱۹: ج ۱۵، ص ۸۰؛ طوسی، [بی تا]: ج ۷، ص ۱۵۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ج ۵، ص ۲۰۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶، ص ۸۲۲). همچنین آیات دلالت بر توحید در تمامی ساحت ها همچون تقنین، تشریح، اطاعت دارند (مائده: ۴۸؛ شوری: ۱۳؛ یوسف: ۴۰؛ آل عمران: ۳۲؛ نسا: ۵۹).

نتیجه

مهم‌ترین نتایج به دست آمده از این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. ضرورت طبقه‌بندی و تحلیل محتوایی احادیث به این علت است که روایات این کتاب بدون نظم محتوایی هستند و نیازمند تبویب و طبقه‌بندی موضوعی در مسائل گوناگون و موضوعات خاص است. از میان ۶۹۱ حدیث قدسی کتاب الجواهر السنیه، ۶۶ حدیث درباره توحید و مشتقات آن، یعنی نه‌ونیم درصد احادیث قدسی این کتاب را دربر می‌گیرد.
۲. روایات توحیدی کتاب مذکور به انواع معروف توحید در علم کلام قابل طبقه‌بندی هستند و در این پژوهش به برخی نمونه‌های روایات ذیل هر نوع از انواع توحید اشاره شده است.
۳. احادیث توحیدی از لحاظ محتوایی تعارض واقعی با آیات قرآن ندارند.
۴. توحید در تمام ابعاد و اقسام خود نقش اساسی و اصلی در زندگی عملی انسان دارد و اعتقادات تنها برای اقناع عقلی و فکری معتقد نیستند، بلکه در زندگی عملی انسان به‌ویژه در زندگی خوب این جهان تأثیر بسزایی دارد. در این نوشتار به بررسی نقش انواع معروف کلامی توحید (توحید ذاتی، صفاتی، افعالی و...) از منظر قرآن کریم پرداخته شده است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

ابن عاشور، محمد بن طاهر [بی تا]؛ التحرير و التنویر؛ [بی جا]: الدار التونسیه للنشر.
آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق)؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم؛ تحقیق: علی عبدالباری عطیه؛ بیروت: دار الکتب العلمیه.

ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ ق)؛ الکشف و البیان؛ تحقیق: ابن عاشور ابو محمد؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲ ش)؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم: فطرت در قرآن؛ چ هفتم، قم: اسراء.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۵ ش)؛ کلیات احادیث قدسی: ترجمه الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه؛ مترجم: صادق حسن زاده؛ قم: آل علی.

زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق)؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ چ سوم، بیروت: دار الکتب العربی.

زوستاک، ریک (۱۳۹۵ ش)؛ طبقه بندی علم: پدیده ها، نظریه ها، روش ها، رویه ها؛ ترجمه: رضا مختاریپور و علی اکبر خاصه؛ تهران: کتابدار.

سبحانی، جعفر (۱۳۸۶ ش)؛ عقاید اسلامی؛ چ دوم، قم: بوستان کتاب.

----- (۱۴۱۷ ق)؛ الالهیات علی هدی الکتاب و السنة و العقل؛ به قلم: شیخ حسن محمد مکی عاملی؛ چ چهارم، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).

سید قطب، ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲ ق)؛ فی ظلال القرآن؛ چ هفدهم، بیروت: دار الشروق.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ ش)؛ ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن؛ مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی؛ چ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ ق)؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ چ سوم، تهران: ناصر خسرو.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار المعرفه.

طنطاوی، سید محمد [بی تا]؛ التفسیر الوسیط للقرآن الکریم؛ [بی جا]: [بی نا].

طوسی، محمد بن حسن [بی تا]؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ ش)؛ اطیب البیان؛ چ دوم، تهران: اسلام.

فخر رازی، ابو عبد الله محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)؛ مفاتیح الغیب؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ ق)؛ تفسیر من وحی القرآن؛ بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.

کریمی، جعفر (۱۳۷۹)؛ توحید از دیدگاه عقل و نقل؛ تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ ق)؛ من هدی القرآن؛ تهران: دار محبى الحسين.

مراغی، احمد بن مصطفی [بی تا]؛ تفسیر المراغی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طبقه بندی و تحلیل احادیث توحیدی کتاب الجواهر السنیه از منظر قرآن کریم با تأکید بر بیان آثار عملی توحید / ۲۳۷

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۹ ش)؛ آموزش فلسفه؛ چ دوم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.

معرفت، محمد هادی (۱۴۱۵ ق)؛ التمهید فی علوم القرآن؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

مغنیة، محمد جواد (۱۴۲۴ ق)؛ تفسیر الکاشف؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة.

----- [بی تا]؛ التفسیر المبین؛ قم: بنیاد بعثت.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ ش)؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة.

نوالی، محمود (۱۳۸۸ ش)؛ فلسفه علم و متدولوژی؛ تبریز: دانشگاه تبریز.

References

The noble Quran.

Ālūsī, Sayyid Maḥmūd al-. 1415 AH. Rūḥ al-ma‘ānī fī tafsīr al-Qur’ān al-‘aẓīm. Edited by Ali Abdel Bari Atiyya. Beirut: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyya.

Fadlallah, Mohammad Hussein. 1419 AH. Tafsīr min waḥy al-Qur’ān. Beirut: Dar al-Milak li-l-Taba‘a wa-l-Nashr.

Fakhr al-Rāzī, Abū ‘Abd Allāh Muḥammad b. ‘Umar al-. 1420 AH. Mafāṭīḥ al-ghayb. Beirut: Dar Ihyā al-Turath al-‘Arabi.

Ḥurr al-‘Āmilī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1395 Sh. Kulliyāt aḥādīth qudsī: tarjumi al-Jawāhir al-saniyya fī l-aḥādīth al-qudsiyya. Translated by Sadegh Hassanzadeh. Qom: Al-e Ali.

Ibn ‘Āshūr, Muḥammad b. Ṭāhir. n.d. Al-Taḥrīr wa-l-tanwīr. Tunisia: al-Dar al-Tunisiyya li-l-Nashr.

Javadi Amoli, Abdollah. 1392 Sh. Tafsīr mawḍū‘ī Qur’ān karīm: fiṭrat dar Qur’ān. Qom: Esra Publications.

Karimi, Jafar. 1379 Sh. Tawḥīd az dīdgāh ‘aql wa naql. Tehran: IRGC.

Makarem Shirazi, Nasser. 1371 Sh. Tafsīr nimūni. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.

Marāghī, Aḥmad b. Muṣṭafā al-. n.d. Tafsīr al-Marāghī. Beirut: Dar Ihyā al-Turath al-‘Arabi.

Marefat, Mohammad Hadi. 1415 AH. Al-Tamhīd fī ‘ulūm al-Qur’ān. Qom: Islamic Publishing Institute.

- Mesbah Yazdi, Muhammad Taqi. 1379 Sh. *Āmūzish falsafi*. Tehran: International Printing and Publishing Company of Islamic Development Organization.
- Modarresi, Mohammad Taqi. 1419 AH. *Min hudā l-Qur'ān*. Tehran: Dar Muhibbi l-Husayn.
- Mughniya, Muhammad Jawad. 1424 AH. *Tafsīr al-kāshif*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Mughniya, Muhammad Jawad. n.d. *Al-Tafsīr al-mubīn*. Qom: Bi'that Foundation.
- Navali, Mahmoud. 1388 Sh. *Falsafi 'ilm wa methodology*. Tabriz: University of Tabriz.
- Sayyid Qutb, Ibrahim Shadili. 1412 AH. *Fī zilāl al-Qur'ān*. Beirut: Dar al-Shuruq.
- Sobhani, Jafar. 1386 Sh. *'Aqāyid Islāmī*. Qom: Boostan-e Ketab.
- Sobhani, Jafar. 1417 AH. *Al-Ilāhiyyāt 'alā hudā l-kitāb wa-l-sunna wa-l-'aql*. Edited by Shaykh Hassan Muhammad Makki Ameli. Qom: Imam Sadiq Institute.
- Szostak, Rick. 1395 Sh. *Ṭabaqibandī 'ilm: padīdi-hā, nazariyyi-hā, rawish-hā, rawiyyi-hā* [Classifying Science: Phenomena, Data, Theory, Method, Practice]. Translated into Persian by Reza Mokhtarpour and Ali Akbar Khasseh. Tehran: Ketabdar.
- Ṭabarī, Abū Ja'far Muḥammad b. Jarīr al-. 1412 AH. *Jāmi' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dar al-Ma'rifa.
- Ṭabarsī, Faḍl b. al-Ḥasan al-. 1372 Sh. *Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Tehran: Nasser Khosrow.
- Tabatabai, Sayyid Mohammad Hossein. 1374 Sh. *Tarjumi al-mīzān fī tafsīr al-Qur'ān*. Translated into Persian by Seyyed Mohammad Bagher Mousavi Hamadani. Qom: Islamic Publishing Office.
- Tabatabai, Sayyid Mohammad Hossein. 1417 AH. *Al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'ān*. Qom: Islamic Publishing Office.
- Ṭanṭāwī, Sayyid Muḥammad al-. n.d. *Al-Tafsīr al-wasīṭ li-l-Qur'ān al-karīm*. N.p.
- Ṭayyib, 'Abd al-Ḥusayn. 1369 Sh. *Atyab al-bayān*. Tehran: Islam.
- Tha'labī, Aḥmad b. Muḥammad al-. 1422 AH. *Al-Kashf wa-l-bayān*. Edited by Ibn Ashur Abu Muhammad. Beirut: Dar Ihyā al-Turath al-'Arabi.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. n.d. *Al-Tibyān fī tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dar Ihyā al-Turath al-'Arabi.
- Zamakhsharī, Maḥmūd al-. 1407 AH. *Al-Kashshāf 'an ḥaqā'iq ghawāmiḍ al-tanzīl*. Beirut: Dar al-Kitab al-'Arabi.